



# اقتراح:

## انتظار دانشگاه از حوزه

هم اندیشی حوزه و دانشگاه و وحدت آرمانی -  
 کارایی و هدفی آن دو، می تواند تضمینی بر  
 تعالی فرهنگی و عزت اجتماعی جامعه اسلامی  
 باشد.

این ایده ارجمنند، بارها و بارها مورد دقت و  
 درنگ و پی گیری قرار گرفته است و امروز ما  
 هنوز احساس می کنیم که تحقق آن نیاز به  
 کندوکاوها و درنگهای فزون تر دارد.  
 بیشتر انشاهای و انشادهای که در این زمینه  
 صورت گرفته است، از نگاه حوزه و حوزویان  
 بوده است. و اکنون بر آنیم تا موضوع را با  
 پرسشهایی عینی تر از دیدگاه دانشگاه و  
 دانشگاهیان به نظاره بنشینیم.

دکتر سرافراز، رئیس دانشگاه فردوسی

س. ۱. شما به عنوان شخصیتی علمی و دانشگاهی، که به صلاح جامعه خویش می اندیشید و با مبانی دینی آشنایی دیرین دارید، چه انتظاری از روحانیت و حوزه های علوم دینی دارید؟ و به طور کلی به نظر شما، نسل دانشگاهی و جامعه چه انتظاری از روحانیت دارند؟

ج. ضمن تشکر از شما، این بحث، بحث بسیار جدی و مهمی است. آن چه عرض می کنم در حقیقت برداشتی است از کار چند ساله ای که از سال ۵۹ داشته ام و احساس نیازی که در این خصوص دارم. اصل مشخص است که روحانیت در جامعه ما، چه نقشی دارد و در جامعه شیعه بخصوص این نقش خیلی حساسیت دارد. اینان مفسران دینی و نگهبانان دینی ما هستند، که از مسائل دینی نگهبانی و آن را برای مردم تبیین کنند و حافظ آن در طول تاریخ باشند که الحمدلله علمای شیعه این را اثبات کرده اند. این نقش، اساسی است و در ارتباط تنگاتنگ شان با مردم در مورد نیازهای شرعی و اجتماعی همیشه این وظیفه را به خوبی احراز کرده اند.

برداشت من، به عنوان یک مسلمان شیعی در جامعه ایرانی مانند همه، این است که حضور روحانی و روحانیت در جامعه ما ضروری و حتمی است. اما در شرایط فعلی مملکت و شرایط فعلی



نداشت. امروز که محوریت نظام به حق، در دست روحانیت است، می طلبد که آگاهیهایش را در این زمینه ها بالا ببرد و بتواند مسائل دینی را همپای زمان ارائه کند و راههایی برای مشکلات فعلی جوامع پیشنهاد کند.

نقش حوزه مشخص است در زمینه علوم اسلامی اشتراکات زیادی با حوزه داریم.

دانشکده های الهیات، اقتصاد، علوم تربیتی و حقوق در دانشگاه داریم که مشابه آن در حوزه است و تشابه درسی در حوزه دارد، لذا چون بناست نظام ما بر اساس اسلام باشد، می بایست کتابهایی که به عنوان منابع درسی در این رشته ها از آن استفاده می شود اسلامی باشد که الان این طور نیست.

غالب منابع، منابع ترجمه شده از غرب است. برای این زمینه ها منابع

جهان این حضور شکل خاصی به خود گرفته است. پیچیدگیهای تکنولوژی نو، مسائل سیاسی - اقتصادی که در جامعه اتفاق می افتد، خواهی نخواهی به اعتبار اعتقاد ما که روحانیت می باید در همه امور اجتماعی نقش داشته باشد و مسائل را همسو با نیازهای زمان تبیین و تفسیر کند. پس نیازمند آن است که دارای آگاهیهای خاص زمان هم باشد. به یقین اینها نیاز دارد به تحقیقات و مطالعات وسیع در این مورد و بحث و بررسی مقوله های جدید، اعم از مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژی و ... که حوزه بار سنگینی را از این به بعد بر دوش دارد.

شاید در چند قرن گذشته، این قدر مسائل ما مشکل نبود، یا این که مسائل تکنولوژی جهان به این شکل در کشور ما نبود و گذشته از اینها روحانیت در مصدر تصمیم گیری و حکومت قرار



دانشگاه موفق باشند، لازم است از این ویژگیها برخوردار باشند:

دانشگاه را خوب بشناسند، دارای سعه صدر باشند، تحمل عقاید مخالف را داشته باشند و تحمل دانشجوی پرسش گر را داشته باشند. این جاست که این همکاری به مرور زمان می تواند جابجند.

و این روز به روز نسبت به اوایل بهتر می شود. بعضی ها بودند در اوایل که طاقت نمی آوردند و بعضی ها بودند که با دانشجوی گرم می گرفتند و کلی دارای جاذبه بودند برای دانشجوی، استاد و بقیه.

لذا لازم است ابعاد دانشگاه شناخته شود. چون دانشگاه ما وارداتی است و ابعاد مختلف خاص خودش را دارد و ما می بایست اینها را با مسائل اسلامی خودمان تطبیق بدهیم، نیاز است که بشناسیم.

و همین طور یک دانشگاهی حوزه را خوب نمی شناسد. درست است که روحانی را می شناسد و این به خاطر آن است که روحانی به زندگی او وارد شده است و در زندگی او حضور داشته است، ولی خود حوزه و داخل حوزه را نمی شناسد؛ لذا اگر این ناآشنایی دو طرف به خصوص حوزه از دانشگاه به مرور زمان و با برنامه ریزی عملی حل شود، در این صورت مشکلی نخواهیم داشت؛ چون دانشجوی و دانشگاهی از اوگ که چشم باز می کند تمام مسائلیش تماس با روحانیت است. (تولد، ازدواج...)

۲. حوزه به عنوان خاستگاه اندیشه حکومت دینی و به عنوان نگهبانان معنویت و باورهای جامعه اسلامی، چه تأثیری بر نسل تحصیل کرده و روشنفکر داشته است و آن را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج. در ارتباط با دانشگاه کارهای زیادی صورت گرفته، ولی هنوز خیلی کم است. تفکراتی که در دانشگاهها مطرح می شود و ما می بینیم جوا و در گیریها را ایجاد می کند، اعتقاد بنده این است که روحانیت معظم ما برای طرح این مسائل و برخورد با این مسائل به

دریافت نمی کنند؛ لذا در برخوردها و در حرکات ممکن است دچار اشکال بشویم.

به اعتقاد بنده، مهم ترین چیزی که برای یک روحانی لازم است اگر بخواهد با دانشگاه همکاری کند، شناخت ابعاد دانشگاه است. نحوه درس خواندن، استاد، دانشجوی، تاریخچه قبلی دانشگاه، وظیفه دانشگاه، هدف دانشگاه، و پیچیدگیهای خاص دانشگاه را باید شناخت داشته باشد. آنانی که در دانشگاه موفق بوده اند و هستند کسانی هستند که خوب دانشگاه را شناخته اند نمونه های فراوانی داریم نمونه خیلی بارزش شهید مطهری، شهید بهشتی، شهید مفتاح، و... اینها در زمانی وارد دانشگاه شدند که دانشگاه تحریم شده بود. کسی که وارد دانشگاه می شد می گفتند رفت داخل مکلاها، رفت داخل بی دینها و... ایشان دانشگاه را خوب شناخته بودند و موفق هم بودند.

مقام معظم رهبری آن زمان که بنده دانشجوی بودم، سال ۵۴ با دانشگاه ارتباط داشتند. لذا دانشگاه را خوب می شناسند. وقتی می فرمایند دانشگاه اسلامی نیست دقیقاً با اطلاع می فرمایند و به خاطر اخبار رسیده از جانب دیگران نیست.

برای این که روحانیت معظم ما در

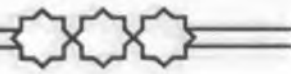
مهم ترین مشکل به تجربه ای که بنده دارم، روحانیون شناخت درستی از دانشگاه ندارند. وقتی وارد دانشگاه می شوند، اگر بتوانند در محیط دانشگاه طاقت بیاورند و برای همیشه این محیط را داشته باشند بعد از مدتی دچار سر درگمی ها در دانشگاه می شوند چون با این سبک درس نخوانده اند، با این سبک کار نکرده اند و دانشگاه را خوب دریافت نمی کنند؛ لذا در برخوردها و در حرکات ممکن است دچار اشکال بشویم.

اصیل اسلامی زیاد داریم که لازم است جمع و جور شوند، هماهنگ شوند و در دانشگاه مورد استفاده قرار بگیرند. اصل بر این درس باید باشد.

در چند سال گذشته، علی رغم تدوین سر فصل درس، دیده می شود غالب منابع درس از همان ترجمه های غربی فراتر نمی رود. کم تر استادی داریم که در جزوه های درس خودش به منابع اسلامی ارجاع بدهد.

امید است که با همکاری حوزه، این معضل از بین راه برداشته شود. از این مهم تر، درست است که سر فصل درس، اصل مهمی است ولی شما به دست استاد یا دانشجوی لاابالی هر چه مطالب خوبی هم بدهید او چیز دیگری تعبیر خواهد کرد. یعنی مدرس و دانشجو نقش بسیار مهمی در این زمینه دارند. صرف سپردن منبع اسلامی به دست فرد او نمی تواند این منبع اسلامی را به درستی به کار بگیرد. پس استاد و دانشجوی فضای دانشگاه خیلی مهم است که باید فضای دانشگاه اصلاح شود.

اصلاح فضای دانشگاهی نیز با همکاری حوزه است. یعنی وقتی در دانشگاه دفتر نهاد نمایندگی را تاسیس می کنیم، یا برای تدریس درس معارف روحانیت در دانشگاه وارد می شوند، برای این است که فضای دانشگاه را با فضای حوزه نزدیک کنیم، یعنی دانشگاه اسلامی به معنای واقعی داشته باشیم. در این صورت، یک فضا خواهیم داشت که حوزه هم در آن فضاست و دانشگاه هم در آن فضاست. برای رسیدن به این فضاست که حضور روحانیت در دانشگاه بی گیری می شود، ولی در این کار مشکلاتی داریم. مهم ترین مشکل به تجربه ای که بنده دارم، روحانیون شناخت درستی از دانشگاه ندارند. وقتی وارد دانشگاه می شوند، اگر بتوانند در محیط دانشگاه طاقت بیاورند و برای همیشه این محیط را داشته باشند بعد از مدتی دچار سر درگمی ها در دانشگاه می شوند چون با این سبک درس نخوانده اند، با این سبک کار نکرده اند و دانشگاه را خوب



طور جدی حضور ندارند. یعنی وقتی طرح می شود مثلاً آقای حسن مطلب را مطرح کرده و بازار این مطلب داغ است، نشان می دهد در دانشگاه ها فکر می کنند که این حرف را فقط ایشان می زنند، بسیار تازگی دارد، بسیار چیز جدیدی است و همتا هم ندارد و برخوردی هم که در بعضی از دانشگاه ها می شود دامن به این قضیه می زند. دانشجو هم خیال می کند مثل این که این بحث منحصر به فرد است. من اعتقاد دارم بایستی حوزه علمیه که این توان را دارد و افراد بسیار موجهی در زمینه های مختلف فرهنگی دارد وارد این مسائل در دانشگاه ها بشود. در بحثها، در گفت و گوها، سخنرانیها و ... حضور داشته باشند و در دانشگاه ها فقط حضورشان منحصر به مراسم نباشد. تنوع این افراد وقتی در دانشگاه ها زیاد باشد، دانشجو متوجه شود که طرح این گونه مسائل منحصر به فرد ایشان نیست و صد تایی دیگر هستند که مسائل اسلامی را مطرح می کنند، خیلی عالی تر و خوب تر، ولی چنین نیست و برداشتها طوری می شود که ما کمبود داریم در این زمینه و فقط حسن یا حسین است که در این زمینه حرف دارد در حالی که اصلاً این طور نیست. وزارتخانه ها، دانشگاه ها و خود حوزه می بایست پیش قدم شود که در مقابل این آقا کسان زیادی هستند که حرفهای بهتری می زنند.

باید این باور پیدا شود که ما در حوزه های علمیه، افراد بسیار سطح بالایی داریم که می توانند در دانشگاه ها اندیشه های اسلامی را بیان کنند. ملت منتظر است تا از این ناحیه چیزهایی بشنود.

۳. بسیاری از ایده ها و طرحهای مصلحانه، به مواد درسی و برنامه ریزی حوزه های علمیه باز می گردد، اگر جناب عالی در تدوین برنامه های آموزشی و پژوهشی و تبلیغی حوزه، مورد مشاوره قرار گیرید چه برنامه هایی را پیشنهاد می کنید و در اولویت قرار می دهید؟

ج. این بحث شما را خیلی خوب

من در ارومیه می دیدم استاد معارف بود که بچه ها به کلاس نمی رفتند اگر هم می رفتند شلوغ می کردند و به زور سرکلاس تکه شان می داشتند. ولی طلبه جوان فاضلی هم از قم آمده بود. وقتی دیر می کرد دانشجویان در حیاط دانشکده منتظر ایشان می ماندند و وقتی می آمد عیبش را روی چمن بین می کرد و یک ساعت، دو ساعت دور هم می نشستند و با هم صحبت می کردند.

الان در دانشگاه هر شخصی در گرایش خاصی درس می خواند. چون دامنه کار وسیع شده و نیازهای دنیایی برای این مسائل زیاد شده و همه منتظرند ببینند اسلام چه نظری دارد در این زمینه، یک فرد لازم نیست که همه اینها را بداند، باید در حوزه مطالب مورد نیاز امروز تقسیم بندی شود. الان مسائل اقتصادی، پزشکی، بانکداری و حقوق ... که همه منتظر جواب از حوزه هستند، جواب هم وقت زیادی می برد و مطالعه و تحقیق لازم دارد. لذا اگر بنده به عنوان مسئول آن جا باشم، می روم دنبال نیازهای دنیا و حتی نیازهای بیست سال بعد که با این سرعت پیشرفت تکنولوژی، این دنیا چه جوابی دارد برای اینها. مسیحیت کاری به این مسائل ندارد و دین را برای کلیسا می خواهد، اما ما که می گوئیم این طور نیست، باید با همان پیشرفت علم در دنیا ما هم جلو برویم و به آنها نسخه بدهیم.

لذا باید در حوزه به عقیده من به مراتب بیش تر از دانشگاه کار شود. به اعتقاد من امروز مشکلات حوزه ده برابر دانشگاه هاست. به خاطر این که دانشگاه در آخر مدعی است که ما مدرک می دهیم برای فلان رشته، ولی حوزه می خواهد برای همه چیزها نظر بدهد و نظام را حفظ کند و دین را حفظ کند، پس نیاز دارد که کار بیش تری در این زمینه بشود.

۴. اگر شما در موقعیت یک روحانی قرار داشتید و در قلمرو دانشگاه مسؤولیت فرهنگی و آموزشی عهده دار بودید، چه ویژگیهایی را برای خود لازم می دانستید و چه برنامه هایی را به مرحله عمل و اجرا می گذاشتید؟

ج. این سوال را می شود برای فرد عادی و هم برای دانشگاه مطرح کرد. مثلاً یک استاد شیمی می تواند درس شیمی خودش را بدهد و برود در اتاق خودش بنشیند و استادی هم می تواند در کنار درسش مطلبی را مطرح کند و دانشجو را به اتاقش بخواهد و مشکلاتش را بشنود، در مورد مسائل اجتماعی با او صحبت کند و مثل یک

مقام معظم رهبری در زمان ریاست جمهوری شان در بحث حوزه و دانشگاه مطرح فرمودند بحثی بسیار متین و جامع. ما می دانیم که کار روحانیت در اجتماع و در ارتباط با مردم، بیش تر موعظه، اخلاقیات و احکام شرعی بود. مسأله حکومت و محیطهای دانشگاهی و ... نبوده است.

الان ممکن است بشود در حوزه تقسیم بندی کرد. مثلاً مادر کشورهای دیگر سفیر داریم. این به اعتقاد من می بایست حتماً فرد روحانی باشد. اگر فرد روحانی آگاه به مسائل سیاسی باشد یا مایه قوی اسلامی این یک سفیر واقعی جمهوری اسلامی است، تا این که مثلاً بنده با دکترای شیمی و با اعتقادات مذهبی. سفیر باید کسی باشد که مسائل اسلام را عمیق و ریشه ای بداند، چون می خواهد انتقال بدهد مطلب را. لذا در حوزه می شود این افراد را تربیت کرد. مسائل اسلام را ریشه ای بدانند، زبان یاد بگیرند، به مسائل سیاسی و خارجی مسلط باشند و ...

در دانشگاه ها باز نیاز داریم به تیپ دیگری از روحانیون که مسائل دانشگاهی را بدانند. با میستم و واحد و درس دانشگاه آشنا باشند که وقتی وارد دانشگاه می شوند، هماهنگ شوند با دانشگاهیان. لازم نیست همه افراد یک روند خاص را تا انتها طی بکنند.



دکتر سید احمد نقیبی، دانشیار  
دانشگاه علوم پزشکی مشهد

س ۱. شما به عنوان شخصیتی علمی و دانشگاهی که به صلاح جامعه خویش می اندیشید و با مبانی دینی آشنایی دیرین دارید، چه انتظاری از روحانیت و حوزه های علوم دینی دارید؟ و به طور کلی به نظر شما، نسل دانشگاهی و جامعه چه انتظاراتی از روحانیت دارند؟

ج. آنچه که ما از روحانیت انتظار داریم، تکالیفی است که شارع دین مبین بر عهده این گروه گذاشته و از آنان انتظار دارد، همچنین مسیری است که این گروه در آن قرار گرفته اند که ادامه راه انبیاء است. در آیه ۱۲۴ سوره توبه خداوند از گروهی سخن می گوید که باید بروند تفقه در دین یکنند و سپس به سوی قوم خویش برگردند و آنان را انذار کنند، بیم دهند تا حذر(پرهیز و مراقبت) را در آنان ایجاد کنند.

پس یک دوره، زمان فراگیری است که در طی آن باید در جهت کسب علم و معرفت بکوشد. این علم و آگاهی هنگامی ثمر بخش است که خشیت را در عالم ایجاد کند که: *أما یخشی الله من عباده العلماء*. یعنی خدا ترس شود تا صلاحیت انذار را پیدا کند. از آن چه که شارع نهی کرده، پرهیز کند تا بتواند حذر را در دیگران ایجاد کند.

بنابر این، در این دو آیه، اولاً، تفقه «در مجموعه دین» ضروری است، یعنی در تمامی ابعاد که برای حرکت در مسیر رشد لازم است (... *لعلهم یرشدون* ۲-۱۸۳ و ... *یهدی الی الرشد* ۷۲-۳) نه تنها تفقه در احکام. ثانیاً، علم بدون ایجاد خشیت در عالم، مطلوب شارع نیست. ثالثاً، باید آموخته ها و دریافتهای عالم به جامعه منتقل شود و نتیجه این انتقال ایجاد حذر در تک تک افراد جامعه باشد.

نکته دوم این که، این گروه بر مسند عظیمی تکیه زده؛ زیرا رسالت آنها ادامه رسالت انبیاء است. بینیم چه سهم و

و کارمند، تا اعتماد آنان را جذب کنیم آن وقت آنان من را هم از خودشان می دانند، ولی الآن درس معارف معادل دروس دیگر تلقی می شود. من در ارومیه می دیدم استاد معارف بود که بچه ها به کلاس نمی رفتند، اگر هم می رفتند شلوغ می کردند و به زور سر کلاس نگه شان می داشتند. ولی طلبه جوان فاضلی هم از قم آمده بود، وقتی دیر می کرد دانشجویان در حیاط دانشکده منتظر ایشان می ماندند و وقتی می آمد عبایش را روی چمن پهن می کرد و یک ساعت، دو ساعت دور هم می نشستند و با هم صحبت می کردند. این جووری جذباتشان می کرد، آنان رهایش نمی کردند و می ماندند چون دوست داشتند. آن چه ما باید در جامعه ایجاد کنیم همان رسالت قبلی روحانیت است در جامعه که روحانیت از کم ترین امکانات بهره برداری می کرد و بیشترین مشقات در جامعه می کشید و با مردم بود به خاطر این که انقلاب را پیش ببرد. الآن هم ما باید همان کار را بکنیم.

در دانشگاه هم باید این گونه کار کرد و امروز مشکل ما این است. حال این که روحانیون مشکل معیشتی دارند آن را باید فکری کرد. آن چه مقام معظم رهبری با رها فرمودند که ما خودمان را مقایسه نکنیم با دیگران، زندگی ما با زندگی آنان فرق می کند.

من اگر روحانی بودم، این کار را می کردم. عضو تمام وقت آموزش عالی و عضوی که تمام وقتم را صرف تماس با دانشجوی می کردم. مراسم جشنی بود در خوابگاه آن جا رفتم، دیدم بچه ها هدیه ای خریده اند و دارند به روحانی شان تقدیم می کنند، پرسیدم برای چه؟ گفتند: ایشان خانه شان نزدیک خوابگاه است و نماز صبح را آن جا می آیند و به جماعت می خوانیم و از ایشان خیلی بهره می بریم.

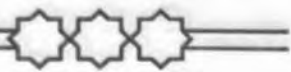
یک روحانی که این طور با بچه ها قاطی شده می بینیم که چه اثر مطلوبی دارد. حال اگر با ماشین می آوردند نماز می خواند و بعد با ماشین می بردند این خیلی نمود نداشت، این اداری است.

پدر با دانشجو بر خورد داشته باشد. این هر دو معلم اند، ولی تاثیر گذاری این معلم یا آن یکی خیلی فرق می کند.

در دانشگاه آن چه من اعتقاد دارم دروس معارف و بقیه دروس که برادران روحانی ارائه می کنند، بسیار بسیار خوب است؛ اما تجربه چند ساله ای که ما داریم بازده خوبی نداشته؛ یعنی دیده می شود دانشجو بیست می گیرد، ولی منکرات هم داریم این نشان می دهد که شاید استادان معارف هم مثل سایر اساتید فقط درس داده اند و رفته اند.

ویک استاد در هفته ۴۰، ۵۰، ۶۰ ساعت درس می دهد. وقتی می گوئیم، می گوید زندگی خرج دارد. من اگر می خواستم روحانی باشم، با همان دید طلبگی که با چه وضع فقیرانه ای زندگی می کردم و اسلام را به پیش می بردم با همان دید نگاه می کردم. من ۵ یا ۱۰ واحد درس می دادم، ولی تمام وقت در اختیار دانشگاه بودم. اتاقم می نشستم و در بست در اختیار دانشجویان بودم. به اتاق کارمندان، استادان سر می زدم، به خوابگاه ها می رفتم. یعنی زندگی را در کنار درس وقف محیط می کردم. همین طور که این کار را قبلاً کرده اند. آن موقع این اثر بخش بود و گرنه سه واحد درس داشته باشم از کلاس بیرون بروم و بعد جای دیگر و بعد جای دیگر بروم، این اثری نخواهد داشت. حضور روحانی در دانشگاه نباید با حضور استاد درس ریاضی یا فیزیک مقایسه شود، که الان دارد می شود. وقتی مطرح می کنیم می گویند ما زندگی داریم، بچه داریم، خانه می خواهیم و... درست هم می گویند؛ ولی آنچه امام راحل و مقام معظم رهبری مرتب تاکید داشتند به زی طلبگی که این ویژگی طلبه باشد و برای بقیه مردم نمی گفتند به همین خاطر بود. من احساس می کنم که این ویژگی در بعضی ها دارد کم رنگ می شود و این به اعتقاد من خطر است. در دانشگاه، وقتی من روحانی حضور دارم با چند واحد درس و بقیه را با استاد و دانشجو





ارثی از رسول گرامی (ص) برده اند که:  
العلماء ورثة الانبياء.

رسول گرامی اسلام (ص) وقتی با کوله بار رسالت به سوی مردم بر می گردند، شاهد است، مبشر است نذیر است، داعی الی الله است و سراج منیر است.

موقف و منظر رسول گرامی (ص) بسیار بلند و بسیار گسترده بود. همه انسانها در نگاه او مهمان بودند. برای سیاه و سفید، کوچک و بزرگ، فقیر و غنی و خلاصه برای همه از آن زمان تا همه زمانها و در گستره زمین حرف و برنامه داشت.

برای حرکت جامعه به سوی کمال و رشد با دو عامل بشارت و انداز عمل می کرد و در نهایت، یک هدف اصولی داشت و آن دعوت بود تنها به سوی خدا، نه هیچ کس دیگر... دعوتی خالص برای او و به سوی او.

به طور قطع در چنین شرایطی و چنین میدان گسترده ای می بایست خلق و خوی جدیدی متخلق شود و مکارم اخلاق (نه محاسن اخلاق) را در خود و پویندگان راهش ایجاد کند.

در میدان تاریک اوهام و افکار انحرافی و خطوط باطل، که هر روز به شکل و قالبی چه داخلی و چه خارجی به افکار مسلمانان حمله ور شده است، چراغ روشن باشد و نور بپاشد تا راه را از بیراهه تشخیص دهند و آگاهانه گام بردارند.

همچنین با توجه به فرموده صادق آل محمد، صلوات الله علیهم اجمعین، در کلام مبارکشان مبنی بر عدم امکان بی نیازی جامعه از سه گروه: امیر خیرخواهی که اطاعت شود، طیب بصیری که مورد اطمینان باشد و فقیه عالمی که با تقوا و پرهیز کار باشد، مشخص می شود که این دو بال علم و تقوا تنها در میدان علوم تجربی، مطرح نیست، بلکه فقها نیز باید با این دو بال حرکت کنند و گرنه علمشان وبال خواهد شد.

یعنی هر روز در جهت افزایش علم و آگاهی و رفعت ایمان و تقوا بکوشند. و به فرموده امام عصر، عجل الله تعالی

**فرجه الشریف:**

«صائن و نگهدار نفس خود باشد، حافظ دین خود باشد و دین خود را برای دنیای دیگران ضایع نکند، مخالف خواسته های نفس باشد و تنها پیرو امر مولایش باشد و محرکی جز امر و حکم مولایش نداشته باشد. جلوه های دنیا و قدرتهای بیرون و امیال درون در او کشش و میلی ایجاد نکند.»  
و به قول امام راحل (ره):

«من اکثر موقبتهای روحانیت و نفوذ آنها را در جوامع اسلامی در ارزش علمی و زهد آنان می داتم.»

اینها اصول و پایه های محکمی است که مورد نیاز روح و باطن جامعه است و ما از روحانیت انتظار داریم. از سوی دیگر جامعه امروز در ابعاد مختلف علمی و در روابط اجتماعی و روابط ملتها هر روز در حال توسعه است.

فقها هر راه در پیش دارند یا نشینند و ببینند که فردا چه سوغاتی از راه می رسد و فراگیر می شود، سپس به صورت انفعالی تنها در صدد پاسخ گویی به مشکلات ایجاد شده بپردازند، در چنین حالتی چگونه می توانند هدایت کننده افکار جامعه باشند.

با این که به صورت گسترده و فراگیر، با فراخوانی تمامی امکانات انسانی به دور از خصیلت حذف، به بررسی کلی مکتب اسلام بپردازند و مذهب حق را به صورت کامل در تمامی ابعاد و در شکل یک طرح جامع عرضه کنند و این هدف تمامی پیامبران بود که

آمدند تا در برابر خطوط انحرافی و طواغیت زمان خود، که مدعی بودند که هیچ فکر و طرح و روشی به جز راه و روش آنها وجود ندارد یا قابل ارائه نیست، یک خط مستقیم و یک برنامه منطبق بر فطرت پاک انسانها را که تنها متکی بر وحی باشد، ارائه دهند تا: مَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ.

بدیهی است در صورت توسعه قدرت و امکانات روحانیت، انتظار کادر سازی را نیز علاوه بر موارد فوق، باید داشت تا بتوانند زمینه های اجرای احکام و نظام ها را نیز فراهم سازند و از آن جا که جامعه تنها به وسیله یک گروه اداره نمی شود. کادرهای تربیت شده نیز باید از گروه های مختلف و فراگیر باشد.

**س ۲. حوزه به عنوان خاستگاه اتمیته حکومت دینی و به عنوان نگهبانان معنویت و باورهای جامعه اسلامی، چه تأثیری بر نسل تحصیلکرده و روشنفکر داشته است و آن را چگونه ارزیابی می کنید؟**

**ج.** همین سؤال را می توانیم ما مطرح کنیم که به نظر خود شما روحانیت چه تأثیری بر نسل تحصیل کرده و روشنفکر دانشگاهی داشته است. پاسخ تا حدودی مشخص است. تأثیر چندانی نداشته است. دلیل این نبود موفقیت در دانشگاه اولاً در چگونگی ورود و پذیرش دانشجو است که دانشجویان با یک امتحان فشرده و به صورتی که هر کس دارای امکانات مالی گسترده تری باشد به دلیل قدرت جذب



در کلاس درس یا در پر خورده دانشجویان با استاد پنبه خواهد شد. پس باید استاد و دانشجو اگر عالم دینی نیستند، دست کم، خود را متعلم بدانند تا در راه نجات بمانند و سد راه نبوده، بلکه خود نیز در تقویت این راه بکوشند.

روحانی نیز در کنار فعالیتهای عمومی به تربیت اختصاصی نیروهای بپردازد که توانایی اقدام مشابه و در تحت نظارت روحانیت را دارا باشند.

بدیهی است هر کدام از این روشها نیاز به بحث مفصل و داشتن خصلت خاص و ظرفیت روحی دارد که: مَنْ كَثُرَ أَغْصَانُهُ لَانَ عَوْدُهُ (درختی که شاخه های فراوان می شود چویش نرم می شود) گستردگی فعالیت نیازمند خلق و خوی جدید و نرمی و ظرافت در رفتار و سعه صدر و ظرفیت در قلب و بیش و بسع می باشد

**دکتر مهدوی، رییس دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد**

س ۱. شما به عنوان شخصیتی علمی و دانشگاهی که به صلاح جامعه خویش می اندیشید و با مبانی دینی آشنایی دیرین دارید، چه انتظاری از روحانیت و حوزه های علوم دینی دارید؟ و به طور کلی به نظر شما، نسل دانشگاهی و جامعه چه انتظاراتی از روحانیت دارند؟

ج. جامعه دانشگاهی، بخصوص در رشته های علوم انسانی، انتظار ارشاد و راهنمایی و حل مشکلات را از روحانیت معظم دارد. مسأله اساسی کشور ما و بسیاری از کشورهای اسلامی، بیش تر این بوده است که علوم انسانی را نیز مانند سایر علوم از غرب فرا گرفته و به صورت تکراری و تقلیدی در دانشگاه ها تدریس کرده اند، یا توجه به بار فرهنگی - اجتماعی که علوم انسانی دارند، تا توجه کافی به مسأله تطابق این علوم با فرهنگ و نظام ارزشی جامعه نشود، موفقیت حاصل نخواهد گردید. این نبود موفقیت در حوزه علوم انسانی چشمگیرتر از سایر حوزه های درسی مثل مهندسی علوم

پیچیده یا عصیان زده دانشگاهی بپردازد و در مسیر حق هدایت کند، آیا لازم است از یک برنامه واحد آموزشی بهر مند شوند. بدیهی است که هر کدام برنامه و محتوای مشخص باید داشته باشند که از حوصله این بحث و توان این جانب خارج است.

س ۴. اگر شما در موقعیت یک روحانی قرار داشتید و در قلمرو دانشگاه مسؤولیت فرهنگی و آموزشی عهده دار بودید، چه ویژگیهایی را برای خود لازم می دانستید و چه برنامه هایی را به مرحله عمل و اجرا می گذاشتید؟

ج. چون در شرایط کنونی در موقعیت یک روحانی قرار ندارم، به طور قطع درک صحیحی از آن ندارم و هر چه بگویم، نسبتاً از حقیقت به دور است؛ اما برای نزدیک شدن به یک قضاوت صحیح و اظهار نظر مناسب، باید در ابتدا معلوم شود که انگیزه من یا هر کس دیگر در ورود به این میدان عظیم چه بوده است؟ تلقین دوستان و اطرافیان، تحمیل بزرگ ترها، تقلید از دیگران و یا تشنه درک وظیفه عامل انتخاب این راه بوده است که به طور قطع در ابتدا تمامی راه و مشکلات را شناسایی کرده و هدف نهایی را شناخته است.

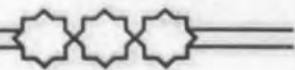
چنین فردی در ابتدا، حتماً، زمینه هایی را که در سؤال ۱ پاسخ داده شد در خود ایجاد کرده است. امکانات موجود فیزیکی و انسانی را شناسایی کرده و میدان کار و نوع کار را بررسی و سپس اقدام خواهد کرد. به نظر منی رسد که اگر اساتید دانشگاهی مخالف و یا حتی بی تفاوت باشند و دانشجویان نیز به روال گذشته وارد دانشگاه شوند و در برنامه های آموزشی تغییر مناسب داده نشود، یک روحانی نمی تواند تغییر و دگرگونی درخور قبول و بنیادی در فکر و عمل دانشجویان ایجاد کند. اختلالهای موجود در فضای فکری استاد و دانشجو و مخالفت یابی تفاوتی نسبت به عمل یا اجرای حدود اسلامی در دانشگاه، بستر فعالیتهای روحانی را در دانشگاه، عقیم خواهد گذاشت. در چنین شرایطی تمامی رشته های روحانی

اساتید میرز و بعضاً طراح سوال، شانسی بیشتری در ورود به دانشگاه دارد. بدون هیچ گزینش اخلاقی و تأیید صلاحیت عمومی وارد دانشگاه می شود و برنامه های آموزشی فشرده او را در برمی گیرد. بنابر این نوعاً زمینه پذیرش کمی دارند و فرصت و فراغت نیز کم است.

ثانیاً، از این سو نیز بیش تر روحانیت ما در پر خورده با روحیه های طالب و تسلیم که خودشان رجوع کنند و دو زانو بنشینند و تقاضای ارشاد کنند، می توانند کار کنند اما با افراد فراری یا عصیان گر و یا لجوج و بد بین و بی تفاوت، که بسیار هم زیادند، نمی توانند نقش تربیتی داشته باشند. روشنفکرانی که تحت تاثیر روحانیت قرار گرفته اند روشنفکرانی هستند که روحانی مورد قبول خود را خودشان برگزیدند و تحمیل و تلقین تأثیری در زیر بار رفتن قلبی شان نداشته است، گر چه ظاهراً سکوت کنند. روحانیتی بیش تر بر او موثر بوده است که با غیر زبان، به ارشاد و هدایت پرداخته و نورانیت کلام پروردگار و گفتار معصوم را برای دگرگونی قلوب به کار گرفته است و روحیه های مختلف را می شناسد و می داند که با افراد مختلف با روش واحد نمی توان برخورد تربیتی و سازنده داشت.

۳. بسیاری از ایده ها و طرحهای مصلحانه، به مواد درسی و برنامه ریزی حوزه های علمیه باز می گردد، اگر جناب عالی در تدوین برنامه های آموزشی و پژوهشی و تبلیغی حوزه، مورد مشاوره قرار گیرید چه برنامه هایی را پیشنهاد می کنید و در اولویت قرار می دهید؟

ج. در هر طرح آموزشی، برنامه و محتوای آموزشی، باید در ارتباط با نیاز افرادی باشد که از این آموزش برخوردار می شوند. باید مشخص شود که این روحانی با چه قشری از جامعه در ارتباط قرار خواهد گرفت. روحانی که برای ارشاد و هدایت مردم در یک روستا تربیت می شود با روحانی که می خواهد با ادیان و مذاهب دیگر به بحث و گفت و گو بنشیند و روحانی که می خواهد به مسائل تربیتی و فرهنگی یک نسل



گسترده تر شدن دامنه آن، سطح مطالعات را که لازمه شناساندن اسلام ناب، به جهان است مهیا کند. در مورد تبلیغات نیز اگر چه روشهای حوزه مناسب بوده است، اما شیوه های تبلیغاتی جدید نیز می تواند تقویت کننده این مهم باشد. امروزه تبلیغات را تغییر در طیف اطلاعاتی افراد می نامند. که افراد را به صورت زیر تحت تأثیر قرار می دهد.

ناگاهی، آگاهی، فهم درک، ایمان و تقلید، عمل و اجراء.

و هر نوع تبلیغات، ۳ نمونه مهم؛ یعنی منبع خیر، کانال اطلاع رسانی و پیام گیرنده را شامل می شود. بر این اساس بکارگیری تمام این عناصر و ایجاد ایمان و اعتقاد و باور در افراد، تا عمل و اجرا را بر اساس آن انجام دهند، از اساسی ترین مسائل حوزه هاست که با استفاده از شیوه های سنتی و جدید می توانند به آن جامه عمل ببوشانند.

س ۴. اگر شما در موقعیت یک روحانی قرار داشتید و در قلمرو دانشگاه مسئولیت فرهنگی و آموزشی عهده دار بودید، چه ویژگیهایی را برای خود لازم می دانستید و چه برنامه هایی را به مرحله عمل و اجرا می گذاشتید؟

ج. ابتدا آن که با عمل خویش، دیگران را به معروف دعوت کنم، نه با زبانم و فرمان، تنها به عنوان ابزاری باشد که تکمیل کننده عمل باشد و رساننده پیام. واقعاً آن اخلاق اسلامی که در پیامبر گرامی اسلام و بزرگان دین گفته می شود، باید در یک روحانی وجود داشته باشد، تا افراد را جذب کند. و زمانی که جذب و شیفته شد، آن وقت ارشاد و راهنمایی گردند و اهتمام ورزیدن به این امر و اعتقاد به این که این مسأله حائز اهمیت هستند نیز، بسیار مهم است.



در عین حال، پاسخهای آنان را از نظر مسائل شرعی و دینی نیز، با فهم عمیق دریافته باشد.

مانند استاد شهید مطهری و امثال ایشان، تا نفوذ کلام آنان در نسل جوان و دانشگاهی مؤثرتر باشد.

س ۳. بسیاری از ایده ها و طرحهای مصلحانه، به مواد درسی و برنامه ریزی حوزه های علمیه باز می گردد، اگر جناب عالی در تدوین برنامه های آموزشی و پژوهشی و تبلیغی حوزه، مورد مشاوره قرار گیرید چه برنامه هایی را پیشنهاد می کنید و در اولویت قرار می دهید؟

ج. مقصداری از شیوه های سیستماتیک مراکز آکادمیک می تواند در حوزه ها به کار گرفته شود، اگر چه شیوه های حوزه، بخصوص مباحثه می تواند برای دانشگاه ها بسیار ارزشمند باشد. به هر حال، به کارگیری شیوه های تحقیقاتی و متدولوژی پژوهش که در دانشگاه ها به کار گرفته می شود، می تواند تأثیر بسزایی بر کیفیت پژوهش در حوزه بگذارد و استفاده از ابزاری مانند روشهای آماری و کامپیوتر نیز که هم اکنون مورد استفاده قرار گرفته با

پایه بوده است. از نیاز مبرم دانشگاهیان در این رشته ها این است که به جای ترجمه و تکرار و تقلید اندیشه های دیگران، خود با تحقیق و تفکر به تدوین اندیشه بپردازند و در این راستا نقش حوزه ها برای راهنمایی بخصوص در فرآیند تطابق اندیشه های مفید دیگران با نظام ارزشی ما بسیار حائز اهمیت است.

س ۲. حوزه به عنوان خاستگاه اندیشه حکومت دینی و به عنوان نگاهبانان معنویت و باورهای جامعه اسلامی، چه تأثیری بر نسل تحصیل کرده و روشنفکر داشته است و آن را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج. برای هدایت و ارشاد نسل جوان و تحصیل کرده، بخصوص دانشگاهی، ابتدا باید حوزه ذهنیت و زبان و طرز تفکر و روشهای علمی این گروه باید آشنایی کامل داشته باشد و روش برخورد با تیپ میان سال کم سواد، بسیار متفاوت با گروه تحصیل کرده است؛ لذا باید افرادی که از حوزه به دانشگاه می آیند و ارشاد می کنند، زبان دانشجویان را بفهمند و کاملاً مجهز به علوم انسانی روز باشند و